

سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده

وحید بزرگی *

دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیات علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

میر عبدالله حسینی

کارشناس ارشد اقتصاد و عضو هیات علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۷ - تاریخ تصویب: ۸۹/۱۰/۲۰)

چکیده

این مقاله پس از مرور تحولات گذشته سازمان همکاری شانگهای، قابلیت‌های این سازمان را از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و قدرت نظامی مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی اطلاعات آماری مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که اعضای این سازمان قابلیت آن را دارند که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شوند. برخورداری از قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت عظیم، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح قابل توجه، حق و تو در شورای امنیت و عوامل دیگر به این سازمان پتانسیل اقتصادی، سیاسی و نظامی بالایی می‌بخشد. بدون تردید ایران باید از این برتری‌ها در جهت مناسبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی خود سود ببرد.

کلیدواژه‌ها

سازمان همکاری شانگهای، منطقه‌گرایی، روسیه، چین، ایران، انرژی، امنیت

* Email: vbozorgi@yahoo.com

مقدمه

زمینه شکل‌گیری سازمان به سال ۱۹۸۹ و سفر گورباچف به چین باز می‌گردد که مذاکراتی در سطوح مقامات عالی برای حل و فصل اختلاف‌های مرزی میان آن دو آغاز شد. با فروپاشی شوروی و تقسیم قلمروی آن به پانزده کشور مستقل، اختلاف‌های مرزی میان کشورهای منطقه با چین هم‌چنان به قوت خود باقی بود تا این‌که در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ پنج کشور هم‌مرز روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای گرد هم آمدند و گروه موسوم به «شانگهای ۵» را با هدف حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود و ایجاد کمربند حسن هم‌جواری مرزی تأسیس کردند.

در پنجمین اجلاس سران «شانگهای ۵» در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین، اعضا درخواست کشور غیرهم‌مرز با خود یعنی ازبکستان برای عضویت دائم در سازمان را پذیرفتند و به‌دنبال آن با صدور بیانیه‌ای تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» را اعلام کردند. این سازمان در سال ۲۰۰۴ مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان را به‌عنوان عضو ناظر پذیرفت. در حال حاضر سازمان ۱۰ عضو شامل ۶ عضو دائم روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان و چهار عضو ناظر مغولستان، ایران، هند و پاکستان دارد.

ساختار سازمان همکاری شانگهای یا نهادهای سازمان هم به دو بخش تقسیم می‌شود: سازوکار دیدارها و ارگان‌های دائم. پنج نهاد موقت در چارچوب سازوکار دیدار شورای سران کشورها، شورای سران دولت‌ها، شورای وزیران امور خارجه، کنفرانس و نشست‌های سران وزارت‌خانه‌ها و یا دستگاه‌ها و شورای هماهنگ‌کنندگان ملی است. ارگان‌های دائم عبارتند از: دبیرخانه و ساختار ضدتروریسم منطقه‌ای راتس^۱ (حسینی و بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

صادرکنندگان اعلامیه سن‌پترزبورگ (هدف‌ها و چشم‌اندازها) می‌خواهند روح شانگهای^۲ را نشان دهند. این روح به معنی احترام متقابل تمدن‌های گوناگون به یکدیگر و رفاه مشترکی

1. Shanghai Cooperation Organization (SCO), Regional Anti-Terrorism Structure (RATS)
2. Shanghai Spirit

است که در دوره «شانگهای ۵» گسترش یافته بود. این روح باید گسترش یافته و بر پایه اصول اقدام‌های دوجانبه و چندجانبه سازمان در سده بیست و یک استوار باشد. طبق بخش دیگر اعلامیه، اعضای سازمان باید از اصول منشور ملل متحد پیروی کنند؛ به استقلال، حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی یکدیگر احترام بگذارند؛ در امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند؛ در مورد یکدیگر زور به کار نبرند یا تهدید به کاربرد زور نکنند؛ از برتری‌های برابری و منافع مشترک بهره گیرند، همه مسائل را از راه مشورت حل کنند؛ و هرگز به دنبال برتری نظامی بر کشورهای همسایه نباشند (شمسیان فرد، ۱۳۸۵، صص ۲۴۹-۲۴۸).

این سازمان هدف‌های خود را همکاری‌های امنیتی در آسیای مرکزی از جمله مبارزه با تروریسم، جنبش‌های جدایی‌طلبانه و افراط‌گرایی مذهبی اعلام کرده است. این سازمان اگر چه در ابتدا با هدف حل و فصل اختلاف‌های مرزی بین چین و چهار همسایه آن در مجموعه کشورهای مشترک‌المنافع ایجاد شد، اما در ادامه این‌گونه به نظر می‌رسد که در جهت تبدیل شدن به یک اتحاد منطقه‌ای با هدف‌های نظامی و امنیتی پیش می‌رود. این سازمان گسترش همکاری‌های اقتصادی و مبادلات فرهنگی را هم از هدف‌های خود اعلام کرده است.

مقاله حاضر، پس از مرور تحولات گذشته سازمان همکاری شانگهای سعی دارد به این پرسش‌ها جواب دهد که سازمان همکاری شانگهای از جنبه‌های مختلف از جمله جغرافیا، جمعیت، اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و قدرت نظامی دارای چه قابلیت‌هایی است؟ آیا سازمان همکاری شانگهای قابلیت آن را دارد که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شود؟ همین‌طور، نظر به برخورداری این سازمان از یک قلمرو جغرافیایی وسیع، یک جمعیت عظیم، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح قابل توجه، حق و تو در شورای امنیت و عوامل دیگر، ایران به چه میزان از این برتری‌ها در جهت مناسبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی خود می‌تواند سود ببرد؟

این مقاله در نظر دارد فراز و فرودهای معادلات منطقه‌ای و رویکردهای موجود در قبال سازمان همکاری شانگهای را تبیین کرده و سپس قابلیت‌های سازمان را از جنبه‌های مختلف از

جمله جغرافیا، جمعیت، اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و قدرت نظامی بررسی کند. در خاتمه نیز جمع‌بندی و ملاحظات پایانی مقاله ارائه شده است.

فراز و فرودهای معادلات منطقه‌ای و سازمان همکاری شانگهای

پس از پایان جنگ سرد، آسیای مرکزی به منطقه‌ای بی‌ثبات و جایگاه تحولات پیش‌بینی نشده در جهان معروف شد. بی‌ثباتی اقتصادی، ضعف جامعه مدنی و جو سیاسی خفقان‌آور از ویژگی‌های بارز این جمهوری‌ها پس از استقلال آنها در اوایل دهه ۱۹۹۰ بود. بانک جهانی دهه پایانی قرن بیستم را «مرحله گذار سه‌گانه» این کشورها نامگذاری کرد: رویارویی با شوک‌های کلان اقتصادی ناشی از فروپاشی شوروی، حرکت سریع از نظام برنامه‌ریزی به شدت متمرکز به سوی نظام دموکراتیک‌تر مبنی بر اقتصاد بازار و تغییر ناگهانی در موقعیت ژئواستراتژیک و قرارگرفتن میان دو قدرت هسته‌ای بر مشکلات پیچیده داخلی آنها افزوده شد و جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی آمریکا به پایین‌ترین سطح تنزل یافت. در این دوران اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا مسأله عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و امنیت انرژی بود.

این بی‌توجهی آمریکا موجب گرایش آسیای مرکزی به سوی مسکو و پکن شد و کشورهای این منطقه درصدد برآمدند امنیت فوری و نیازهای شدید اقتصادی خود را از راه نزدیکی به روسیه و چین تأمین کنند. این دو کشور در این مدت کمابیش با همه این کشورها قرارداد دوستی و همکاری و پیمان تجاری بستند و مسکو با حفظ نیروهای نظامی خود در آن کشورها که براساس پیمان‌های دوجانبه امنیتی حاصل شد از موقعیتی برتر در منطقه برخوردار شد. اما حوادث ۱۱ سپتامبر و به‌دنبال آن افغانستان ناگهان بر اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی در پهنه جهانی افزود و این منطقه را برای غرب به کمر بند محافظ در برابر شرایط متزلزل و بی‌ثبات اوراسیا تبدیل کرد. این کشورها که دیگر مورد کم‌توجهی آمریکا قرار نمی‌گرفتند، الزامی به حرکت در گستره نفوذ چین و روسیه نمی‌دیدند.

شرایط جدید سیاسی موازنه قدرت را در این منطقه حساس برهم زد و این کشورها یک‌بار دیگر خود را در فشار مبارزه قدرت‌های بزرگ گرفتار دیدند. با افزایش حضور آمریکا در منطقه به صورت موقتی از نفوذ چین و روسیه کاسته شد. به‌کارگیری فشار برای

محدود کردن روابط سنتی منطقه با چین و روسیه از یکسو و مبارزه طلبی خشونت‌آمیز گروه‌های اسلام‌گرا از دیگر سو، جوی از بی‌اعتمادی و عدم قطعیت نسبت به تحولات آینده منطقه به وجود آورد. با توجه به اهمیت استراتژیک و منابع غنی سوختی و طبیعی برخورد منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه دور از انتظار نبود (ملکی، ۱۳۸۵، صص ۳-۱؛ یام، ۱۳۸۷، ص ۸).

در واقع، پیمان شانگهای تشکیلاتی امنیتی و اتحادیه‌ای سیاسی است که همانند یکی از پیمان‌های اعتمادساز در منطقه موجودیت یافت. در تابستان ۲۰۰۱ پیمان شانگهای با هدایت ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین، رؤسای جمهور وقت روسیه و چین، ازبکستان را به عضویت پذیرفت و نام پیمان به شکل رسمی به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر یافت و اعضا هدف خود را تشویق همکاری میان خود و رسیدن به امنیت جمعی در آسیای مرکزی عنوان کردند. سال نخست موجودیت پیمان شانگهای صرف حل و فصل درگیری‌های مرزی و مسائل امنیتی منطقه شد. شش کشور بنیانگذار پیمان متعهد شدند که به مبارزه بی‌امان با سه نیروی شیطانی^۱ (تروریسم، افراطی‌گری و جدایی‌طلبی) در منطقه بپردازند. همه این هدف‌ها به شکل غیرمستقیم به افراطی‌گری خشونت‌آمیز اسلامی اشاره دارند. برخی ناظران پیمان شانگهای را فقط یک سازوکار امنیتی نمی‌دانستند بلکه آن را چارچوبی مناسب برای گسترش مناسبات تجاری، توسعه سرمایه‌گذاری و تقویت مناسبات فرهنگی، فنی و زیست‌محیطی میان اعضا ارزیابی می‌کردند.

این سازمان از سازمان ملل متحد تقاضای شناسایی کرد و از ایران، مغولستان، پاکستان و هند نیز برای عضویت دعوت کرد. به این ترتیب، این پیمان قصد داشت علاوه بر مسائل امنیتی با پرداختن به مسائل اقتصادی و مشکلات اجتماعی، خود را به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای به جهانیان عرضه کند، اما برای رسیدن به این هدف باید چند پیش شرط تحقق پیدا می‌کرد؛ برای مثال با وجود اراده سیاسی اعضا پیمان باید ساختار مدیریت و نهادهای مستقل خود را تشکیل می‌داد؛ آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد باید آن را مانند یک سازمان معتبر بین‌المللی به رسمیت می‌شناختند. مهم‌تر از همه اینکه این

پیمان باید می‌توانست به نمایندگی از سوی اعضا و در جهت حفظ منافع همه آنها عمل کند و فقط منافع یکی دو کشور عضو را در نظر نگیرد. اما تحقق همه این شرایط در کنار یکدیگر دشوار بود.

خاطر نشان می‌کند بررسی تحولات یک دهه گذشته سازمان همکاری شانگهای گویای آن است که سازمان شانگهای از ابتدای تأسیس تاکنون دچار تحولاتی شده است. هدف‌های ابتدایی این سازمان به مرور زمان متحول شده‌اند و هر یک از اعضای این سازمان هم به‌نوبه خود، تفسیر و برداشت متفاوتی از این هدف‌ها دارند. در مورد چین، یکی از مهمترین هدف‌های تشکیل این سازمان جلوگیری از کمک دولت‌های جدیدالتاسیس آسیای مرکزی به شورشیان استان سین‌کیانگ بود. بسیاری از شورشیان این استان بزرگ چین، اویغورهای ترک‌تباری هستند که پیوندی نزدیک با اویغورهای آسیای مرکزی دارند.

از نگاه دولت‌های آسیای مرکزی این سازمان فرصتی ایجاد می‌کرد تا این کشورها بتوانند مناسبات تجاری خود را با همسایه قدرتمند شرقی خود بهبود دهند. قصد روسیه از پیوستن به این سازمان، تثبیت مجدد اقتدار خود در منطقه‌ای بود که آن را به‌صورت سنتی جزو حوزه نفوذ خود تلقی می‌کرد. این سازمان در سال‌های اخیر موفقیت‌هایی در زمینه مقابله با ظهور یک جهان تک‌قطبی و مبارزه با مواد مخدر و تروریسم به‌دست آورده است. مانورهای انجام شده از سوی این سازمان نیز دارای اهمیت است. این مانورها نگرانی کارشناسان نظامی غرب را برانگیخته است. به‌نظر آنان این امر می‌تواند باعث چرخش اولویت اول این سازمان به موضوعات نظامی شده و در آینده مجموعه‌ای شبیه به پیمان ورشو به‌وجود آورد.

رویکردهای مختلف به سازمان همکاری شانگهای

روسیه و چین را باید موتور محرک «پیمان شانگهای» نامید. موجودیت و بقای پیمان، در دست این دو کشور است. در دهه اخیر، مناسبات دوجانبه این دو گسترش فراوان یافته و آنها در زمینه مسائل تجاری و نظامی، گفت‌وگوهای مستمری با یکدیگر داشته‌اند. امضای پیمان دوستی، همکاری و حسن همجواری در ژوئن ۲۰۰۱، نخستین پیمان میان آن دو از

آغاز جنگ سرد تاکنون بود. هم‌اینک مهندسان، دانشمندان و افسران آن دو در کنار یکدیگر در برنامه‌های آموزشی، مانورهای نظامی و پروژه‌های تحقیقاتی شرکت دارند. برخی پروژه‌های تحقیقاتی نظامی مانند مقابله با تهدید جنگنده آمریکایی «استیلث فایتر»^۱ که از دید رادار مخفی است، توسط محققان دنبال می‌شود. علاوه بر آن سازمان یک گروه‌بندی سیاسی - امنیتی است که ابعاد تجاری و اقتصادی نیز به موازات آن مورد توجه اعضای اصلی قرار دارد. بسیاری از تحلیل‌گران آن را یک نهاد روسی - چینی تلقی می‌کنند که با جذب کشورهای آسیای مرکزی و تقویت تعاملات سیاسی - امنیتی با آنها، هدف‌های مهم مقابله با افراط‌گرایی، جدایی‌طلبی و تروریسم و مقابله با روندهای یک‌جانبه‌گرایانه سیاسی - امنیتی آمریکا در منطقه را پیگیری می‌کند. در اصل در درون سازمان می‌توان به درک روشنی از سیاست‌های امنیتی - راهبردی متعامل چین و روسیه رسید. در واقع این سازمان محل تلاقی مواضع راهبردی - سیاسی چین و روسیه است.

در این راستا درحالی‌که روسیه بیشتر بر فعالیت‌های سیاسی - نظامی سازمان تأکید می‌کند، دولتمردان چین به دنبال پیش بردن هدف‌های سیاسی - امنیتی به‌وسیله طرح‌های اقتصادی درون این سازمان هستند. از نظر ساختار و ترکیب، سازمان همکاری شانگهای متشکل از روسیه، چین و چهار کشور آسیای مرکزی یعنی ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان است که در این میان ایران، مغولستان، هند و پاکستان به‌عنوان اعضای ناظر در جلسات شرکت می‌کنند، ولی آنچه مشهود است این است که محور راهبردی - امنیتی سازمان بر مبنای سیاست روسیه و چین شکل گرفته است.

در درون سازمان چین خواستار امنیت، منابع انرژی و بازار است و روسیه در پی تقویت هرچه بیشتر نفوذ سنتی خود در محیط امنیتی پیرامونی خود است. دولت‌های چهارگانه آسیای مرکزی عضو سازمان، نگران انقلاب‌های رنگی و تحولات ناشی از رهیافت «جنگ نرم» آمریکا و ائتلاف غرب هستند. درون سازمان یک اجماع‌نظر راهبردی در محدودسازی جریان‌های افراط‌گرایانه در منطقه آسیای مرکزی وجود دارد.

1. Stealth Fighter

با این حال، از نظر بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و روابط بین‌الملل در همکاری و تعاملات موجود بین اعضا، موضوع امنیت فراتر از محورهایی مثل خلع سلاح منطقه‌ای، مسائل مرزی، تروریسم، جدایی‌طلبی و گروه‌های افراطی مذهبی به وجود آمده از حرکت‌های گروه فراملی القاعده است (حسینی و بزرگی، ۱۳۸۸، صص ۲۵-۲۲).

پیوستن کشورهای چین هند و ایران به این پیمان می‌تواند ظهور قطب‌های جدید قدرت در جهان و تشدید تضادهای بین‌المللی را شتاب دهد. اگر شانگهای مسیر یک اتحادیه جدید سرمایه‌داری را در پیش گیرد، بلوک شرق جدیدی شکل می‌گیرد. این امر نیز در جای خود توازن قدرت جهانی را به نفع اتحادیه اروپا تغییر می‌دهد. با این حال، این یک حقیقت است که سازمان شانگهای بدون دستیابی به تکنولوژی کشورهای چین ژاپن و آلمان، شانسی برای ابراز وجود در جایگاه یک قطب ندارد. البته این سازمان از نظر سیاسی - نظامی می‌تواند نقش ژئوپلیتیک مهمی در تحولات جهانی ایفا کند. هم‌اینک این سازمان به سدی در مقابل آمریکا و نفوذ غرب در منطقه تبدیل شده است و اگر ایران هم به جمع این کشورها بپیوندد، بدون تردید گرایش ضد غربی آن به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد. از سوی دیگر تحولات کنونی بر اهمیت همکاری کشورها با یکدیگر برای مقابله با تهدیدات مختلف که بسیاری از آنها ماهیتی بین‌المللی یافته‌اند، افزوده است.

براساس این گرایش‌ها و رویکردهای مختلف، برداشت تحلیل‌گران مختلف از سازمان همکاری شانگهای نیز از یک سازمان امنیتی تا یک بلوک اقتصادی منطقه‌ای، یک ائتلاف ضد تروریسم یا حتی یک اتحاد ضد هژمونی آمریکا به رهبری روسیه و چین را در بر می‌گیرد (Turner, 2005). تحلیل‌گران غربی این پیمان را از همان شروع تأسیس ابزار دست روسیه و چین ارزیابی کردند. به کمک این ابزار به تدریج مناسبات نظامی و امنیتی کشورهای منطقه با روسیه تحکیم و گسترش می‌یابد و یک سیاست هماهنگ در مقابله با جنبش‌های اسلام‌گرا به کار گرفته می‌شود. با توجه به ابعاد جغرافیایی، قدرت اقتصادی و توان نظامی چین و روسیه، تسلط آنها بر آن پیمان طبیعی به نظر می‌رسد.

در واقع، وزرای خارجه این دو کشور مواضع این پیمان را در زمینه مسائلی چون رویارویی با آمریکا و عدم تحمل جنبش‌های اسلام‌گرا و جدایی طلب تنظیم و هدایت می‌کنند.

پیمان شانگهای در چشم سیاست‌گزاران چینی و روسی ابزاری برای تسلط استراتژیک این دو کشور بر منطقه آسیای مرکزی و برقراری مناسبات دوستانه با همسایگان است.

گرچه این کشورها همگی نگرانی‌های مشترکی چون خشونت‌های قومی و مبارزه‌طلبی مسلمانان افراطی دارند، اما نگرانی مسکو و پکن برخلاف اعضای کوچک‌تر پیمان شانگهای فقط به این مسائل محدود نمی‌شود، بلکه مسائل مهمی چون هژمونی آمریکا در منطقه را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد کشورهای آسیای مرکزی کمابیش تسلط چین و روسیه را بر منطقه پذیرفته‌اند. رهبران آنها در سال‌های اخیر با نزدیک شدن به روسیه و چین، در واقع در پی جلب حمایت برای سیاست‌های سرکوب‌گرانه خویش برآمده‌اند.

بی‌توجهی غرب به منطقه، برخی از رهبران منطقه را به این نتیجه رساند که فقط روسیه و چین می‌توانند کمک نظامی و اقتصادی لازم را برای مقابله با تهدیدهای داخلی و منطقه‌ای در اختیار آنان قرار دهند. بنابراین در این سال‌ها که کشورهای آسیای مرکزی در جهت نزدیکی به روسیه و چین گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربودند، از تشکیل این سازمان به گرمی استقبال کردند. روسیه و چین هم در همکاری با کشورهای منطقه هدف‌هایی را دنبال می‌کردند که پیشتر به آن اشاره شد. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و آغاز جنگ در افغانستان، آینده پیمان را در حال‌های از تردید فرو برد. حضور نیروهای آمریکایی در منطقه شرایط جدیدی را به وجود آورد که کل سیاست منطقه را تحت تأثیر قرار داد.

این پیمان در برابر بسیاری از حوادث منطقه‌ای سکوت اختیار کرد و موضع نگرفت. این پیمان برخوردی با بحران افغانستان نکرد و مانع واگذاری پایگاه به نیروهای آمریکایی در منطقه نشد. این پیمان یک سیاست منسجم و واحد در برابر تهدیدات تروریستی به کار نگرفت. پیمان شانگهای سال‌های نخستین موجودیت خود را با تردید آغاز کرد. پیمانی که در ابتدا امید فراوانی را برای اتحاد استراتژیک اعضا از جمله چین و روسیه برانگیخته بود، تحت تأثیر سه عامل مهم مناسبات روسیه - چین، منافع آمریکا در منطقه و خشونت اسلام‌گرایان افراطی، خارج از محدوده اقتدار خود به تدریج رنگ باخت (Germanovich, 2008, pp. 18-22).

روابط ایران و روسیه با وجود برخی مشکلات در حوزه توسعه کریدور شمال- جنوب، همکاری‌های کنسولی، حل و فصل مسائل دریای خزر، ایجاد نیروی‌های نظامی کاسفور، همکاری

در آسیای مرکزی و قفقاز و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای برای تحقق همکاری بیشتر جریان دارد (Noi, 2006, pp. 96-100؛ کرمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰).

قابلیت‌های سازمان همکاری شانگهای از جنبه‌های مختلف

الف - جغرافیایی

در بسیاری از گروه‌بندی‌های اقتصادی، اعضا از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می‌تواند تغییر کند. با این حال، تغییر هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل می‌تواند معادلات درباره اهمیت فاصله بین اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای را بهم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه‌بندی می‌شود. با این وجود نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل و نقل تنها عامل تعیین‌کننده در تعیین اعضای یک گروه‌بندی منطقه‌ای نیستند و هزینه حمل و نقل فقط جزئی از کل هزینه‌ها است و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرف‌های بالقوه تجاری، هزینه معامله با آنها فرق می‌کند.

نزدیکی جغرافیایی اعضا نه تنها می‌تواند باعث تسهیل و ارزان‌تر شدن مبادلات تجاری شود، بلکه ممکن است دلیل به وجود آمدن برخی ویژگی‌های اقتصادی مشترک از نظر منابع، آب و هوا و موارد دیگر بین این کشورها نیز باشد. در اکثر گروه‌بندی‌های اقتصادی، اعضا بیشتر در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند، ولی در تعداد زیادی از این گروه‌بندی‌ها نیز حداقل برخی از اعضا با دیگران فاصله دارند، به شکلی که نمی‌توان فاصله جغرافیایی را پدیده نامتعارفی در گروه‌بندی‌ها دانست.

تغییر شیوه‌ها و در نتیجه هزینه‌های حمل و نقل باعث تغییر اهمیت نزدیکی یا فاصله جغرافیایی و در نتیجه باعث تغییر اعضای مناسب برای یک گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود. سازمان جهانی تجارت بارزترین استثنا در مورد این قاعده است و نشان می‌دهد که تنها کشورهای همجوار به آزادسازی و قانونمندی تجارت بین خود نمی‌پردازند. به هر حال، اگر چه تمام گروه‌بندی‌های منطقه‌ای با معیار جغرافیایی درگیرند، ولی تنها این معیار نیست که اعضای یک گروه‌بندی منطقه‌ای را مشخص می‌کند.

وسعت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) سازمان همکاری شانگهای روی هم بیش از ۳۷ میلیون کیلومتر مربع یا ۲۸ درصد از سطح خشکی‌های زمین است. این سازمان از نظر گستره جغرافیایی در مرکز قاره آسیا پراکنده شده است و البته مرکزیت اکثر واحدهای سیاسی عضو آن به شمال شرق خاورمیانه و مرکز آسیا تعلق دارد.

در این گروه‌بندی منطقه‌ای، اعضا از نظر جغرافیایی بهم نزدیک هستند و هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل‌ونقل (زمینی، آبی، هوایی) به مراتب پایین‌تر از کشورهای دیگر است. کاهش هزینه حمل‌ونقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش این گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود و از این منظر اعضای سازمان به‌علت نزدیکی جغرافیایی از یک برتری طبیعی برخوردارند. به این ترتیب در حقیقت اعضای آن از نظر جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند.

ب- میزان جمعیت، رشد و سهم از جمعیت جهان

میزان جمعیت از عوامل مهم در بررسی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای است، زیرا با این پشتوانه قدرتی که برای کشورها به‌وجود می‌آید، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، میزان جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آنها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی به‌صورت کامل مسلط است و گاه وزن کشور مسلط به‌وسیله مجموع وزن اعضای دیگر خنثی می‌شود. با این حال، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آنها ارزیابی کرد، بلکه باید به درآمد آنها نیز توجه کرد. یک مساله مهم دیگر اندازه کل جمعیت گروه‌بندی منطقه‌ای است، چون جمعیت یک گروه‌بندی روی ساختار و پایداری آن و وزن و نقش آن در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با دارا بودن جمعیت بالغ بر ۲۹۰۹/۷ میلیون نفر، ۴۳/۶۲ درصد از جمعیت جهانی را در خود جا داده‌اند و این سازمان از نظر میزان جمعیت اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان است و وزن مسلط در میان دیگر ترتیبات منطقه‌ای دارد. در میان اعضا، بالاترین جمعیت به چین تعلق دارد که این کشور ۱۹/۵۷ درصد از جمعیت جهان و ۴۴/۸۷ درصد جمعیت این سازمان را در سال ۲۰۰۷ در خود جای داده است.

بعد از چین، کشورهای هند، پاکستان و روسیه قرار دارند. این چهار کشور در مجموع ۲۷۸۱/۱ میلیون نفر یعنی ۹۵/۵۸ درصد جمعیت سازمان را در سال ۲۰۰۷ در خود جای داده‌اند.

با توجه به رشد جمعیت چین و رشد منفی آن برای روسیه، سهم جمعیت آن دو، از جمعیت سازمان و جهان روبه کاهش، و سهم پاکستان و هند روبه فزونی گذاشته است. این سازمان قلمرویی برابر با ۳۷ میلیون کیلومتر مربع دارد که بیش از نه برابر اندازه مطرح‌ترین سازمان منطقه‌ای جهان - اتحادیه اروپا - است و جمعیت آن بیش از ۲/۹ میلیارد نفر است که دومین سازمان بزرگ دنیا بعد از سازمان ملل متحد است. از نظر جمعیتی هند و چین جمعیت قابل ملاحظه‌ای دارند. البته هیچ وقت نباید وزن کشورها یا ترتیبات منطقه‌ای را تنها با جمعیت آن ارزیابی کرد، بلکه این معیار در کنار قدرت اقتصادی معنی پیدا می‌کند که در ادامه ارایه می‌شود.

جدول شماره ۱: جمعیت، نرخ رشد و سهم از جمعیت جهان

شرح	وسعت (MHa)	جمعیت و سهم جهانی آن (میلیون نفر و %)			نرخ رشد جمعیت		
		۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۷	۹۵-۰۰	۰۰-۰۵	۰۵-۱۰
چین	۹۵۹/۸ (۷/۱)	۱۱۲۸/۸ (۲۱/۳)	۱۲۴۷/۸ (۱۹/۲)	۱۳۰۵/۷ (۱۹/۶)	۰/۹۱	۰/۶۷	۰/۵۸
روسیه	۱۷۰۹/۸ (۱۲/۷)	۱۴۷/۴ (۲/۸)	۱۴۴/۰ (۲/۲)	۱۴۲/۵ (۲/۱)	-۰/۲۳	-۰/۴۸	-۰/۵۱
قزاقستان	۲۷۲/۵ (۲/۰)	۱۵/۰ (۰/۲۸)	۱۵/۲ (۰/۲۳)	۱۵/۴ (۰/۲۳)	-۱/۲۵	۰/۳۴	۰/۷۱
قرقیزستان	۲۰/۰ (۰/۱۵)	۴/۹ (۰/۰۹)	۵/۲ (۰/۰۸)	۵/۳ (۰/۰۸)	۱/۴۹	۱/۰۱	۱/۱۰
تاجیکستان	۱۴/۳ (۰/۱)	۶/۲ (۰/۱۲)	۶/۶ (۰/۱۰)	۶/۷ (۰/۱)	۱/۳۴	۱/۱۹	۱/۵۱
ازبکستان	۴۴/۷ (/۳)	۲۴/۷ (۰/۴۷)	۲۶/۶ (۰/۴۱)	۲۷/۴ (۰/۴۱)	۱/۵۲	۱/۴۶	۱/۴۴
جمع اعضا	۳۰۲۱/۱ (۲۲/۵)	۱۳۲۷ (۲۵/۰۶)	۱۴۴۵/۴ (۲۲/۲)	۱۵۰۳/۰ (۲۲/۵)	-	-	-
هند	۳۲۸/۷ (۲/۴)	۸۶۰/۲ (۱۶/۲)	۱۰۴۶/۲ (۱۶/۱)	۱۱۶۹/۰ (۱۷/۵)	۱/۸۴	۱/۶۲	۱/۴۶

۱/۸۴	۱/۸۲	۲/۴۴	۱۶۳/۹ (۲/۵)	۱۴۴/۴ (۲/۲)	۱۱۳/۰ (۲/۱۳)	۷۹/۶ (۰/۶)	پاکستان
۱/۳۵	۰/۹۷	۱/۲۲	۷۱/۲ (۱/۱)	۶۶/۱ (۱/۰۱)	۵۶/۷ (۱/۰۷)	۱۷۴/۵ (۱/۳)	ایران
۰/۹۶	۰/۸۸	۰/۶۶	۲/۶ (۰/۰۴)	۲/۵ (۰/۰۴)	۲/۲ (۰/۰۴)	۱۵۶/۴ (۱/۲)	مغولستان
-	-	-	۱۴۰۶/۷ (۲۱/۱)	۱۲۵۹/۲ (۱۹/۳)	۱۰۳۲/۱ (۱۹/۵)	۷۳۹/۲ (۵/۵)	اعضای ناظر
-	-	-	۲۹۰۹/۷ (۴۳/۶۱)	۲۷۰۴/۶ (۴۱/۵)	۲۳۵۹/۱ (۴۴/۶)	۳۷۶۰/۳ (۲۸/۰)	جمع کل
۱/۱۷	۱/۲۴	۱/۳۷	۶۶۷۱/۲ (۱۰۰)	۶۵۱۴/۸ (۱۰۰)	۵۲۹۴/۹ (۱۰۰)	۱۳۴۴۲/۵ (۱۰۰)	جهان

Source: UNCTAD, 2008

برای کشورهای سابق اتحاد شوروی عضو سازمان به جای دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰، دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵ استفاده شده است.

ج- مشابهت و نزدیکی اندازه اقتصادهای کشورها

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ترکیب گروهی از کشورها مورد استفاده قرار داد، تولید ناخالص ملی کشورهاست. وقتی کشورها از نظر تولید ناخالص ملی به هم نزدیکتر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد. برای نمونه، اگر یک دنیای سه کشوری را در نظر بگیریم و مجموع تولید ناخالص ملی سه کشور ۱۲۰ باشد و تولید ناخالص ملی کشورها به ترتیب ۱۰، ۱۰ و ۱۰۰ فرض شود، پس حداکثر مقدار صادرات در این دنیا چهل خواهد بود؛ یعنی وقتی که کشورهای کوچک تمام تولید ناخالص ملی را صادر و مقدار مساوی وارد کنند. اما اگر تولید ناخالص ملی هر کشور ۴۰ باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود. پس وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصادی بهم نزدیک هستند، واردات تولیدات متنوع‌تر بیشتر است. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تأیید است.

از نظر تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و تولید کل، در درون و میان گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد، ولی این تفاوت در مورد درآمد

سرانه به نسبت کمتر است. برای ارزیابی اهمیت یک گروه بندی منطقه ای در اقتصاد جهانی و برای اعضای آن گروه بندی، هر دو معیار جمعیت و تولید را باید در نظر گرفت. حتی وقتی که یک گروه بندی منطقه ای کوچک است، آیا آنقدر بزرگتر از اعضای خود است که همکاری دسته جمعی باعث افزایش چشمگیر قدرت آنها شود؟ بدین ترتیب اندازه اقتصاد این گروه بندی نسبت به اعضای آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در جدول شماره ۲ تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای برحسب قدرت برابری خرید (ppp) برای سال های ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ درج شده است.

جدول شماره ۲: عملکرد اقتصادی کشورهای سازمان همکاری شانگهای

(واحدها به دلار برحسب برابری قدرت خرید و درصد)

شرح	GDP (میلیارد دلار)			سرانه (دلار) GDP			GDP (%) رشد سالانه			سهم از جهان (%)
	۱۹۸۰	۲۰۰۰	۲۰۰۷	۱۹۸۰	۲۰۰۰	۲۰۰۷	۸۰-۰۵	۰۰-۰۵	۲۰۰۷	
چین	۳۰۶/۵	۱۱۹۲/۸	۳۲۸۶/۹	۳۱۲	۹۵۶	۲۵۱۷	۹/۹	۹/۶	۱۱/۴	۳۷/۵
روسیه	-	۲۵۹/۷	۱۲۸۴/۷	-	۱۷۶۲	۹۰۱۶	۴/۴	۶/۲	۸/۱	۱/۱۳
قزاقستان	-	۱۸/۳	۹۳/۶	-	۱۲۲۳	۶۰۶۹	۶/۹	۱۰/۱	۸/۵	۰/۱۷
قرقیزستان	-	۱/۴	۳/۷	-	۲۷۷	۷۰۱	-۰/۵	۴/۱	۸/۲	۰/۰۰۷
تاجیکستان	-	۰/۹	۳/۲	-	۱۳۹	۴۷۴	۶/۴	۱۰/۰	۷/۸	۰/۰۰۶
ازبکستان	-	۱۳/۸	۱۸/۸	-	۵۵۷	۶۸۸	۴/۶	۵/۵	۹/۵	۰/۰۰۳
جمع اعضا	-	۱۴۸۶/۹	۴۶۹۰/۹	-	-	-	-	-	-	۸/۶۴
هند	۱۸۵/۴	۴۶۹	۱۱۳۶/۹	۲۶۹	۴۴۸	۹۷۳	۵/۸	۶/۹	۹/۷	۲/۰۹
پاکستان	۳۴/۲	۷۸/۵	۱۶۷/۳	۴۳۱	۵۴۴	۱۰۲۱	۴/۶	۶/۰	۶/۵	۰/۳۱
ایران	۹۱/۳	۱۰۲/۹	۳۱۴/۳	۲۳۲۱	۱۵۵۷	۴۴۱۴	۳/۳	۵/۶	۵/۶	۰/۵۸
مغولستان	۰/۵	۰/۹	۳/۷	۲۹۷	۳۸۴	۱۴۱۲	۲/۰	۶/۱	۹/۹	۰/۰۰۷
اعضای ناظر	-	۶۵۱/۳	۱۶۲۲/۲	-	-	-	-	-	-	۲/۹۹
جمع کل	-	۲۱۳۸/۲	۶۳۱۳/۱	-	-	-	-	-	-	۱۱/۶۳
جهان	۱۱۹۲۱	۳۱۸۵۰/۳	۵۴۲۷۳	۳۶۸۰	۵۲۰۲	۸۳۰۲	۲/۸	۲/۸	۳/۸	۱۰۰

Source: UNCTAD 2008.

برای کشورهای سابق اتحاد شوروی عضو سازمان به جای دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰، دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵ استفاده شده است.

بررسی تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو و ناظر به دلار آمریکا در سه دهه اخیر گویای آن است که کل تولید ناخالص داخلی سازمان شانگهای در سال ۲۰۰۷، ۶۳۱۳ میلیارد دلار آمریکا، معادل ۱۱/۶۳ درصد تولید ناخالص جهانی بوده است که کل تولید ناخالص داخلی سازمان در مقایسه با جمعیت جهانی به مراتب پائین تر است. البته تولید ناخالص داخلی سازمان از ۲۱۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۶۳۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده که نرخ رشد دو رقمی ۱۶/۷۳ درصد را تجربه کرده است و به این ترتیب سهم تولید ناخالص داخلی سازمان از ۶/۷۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۱/۶۳ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. در این میان، چین هم از نظر اندازه اقتصاد و هم از نظر رشد اقتصادی دارای رکورددار بوده است. بعد از چین، روسیه و هند نیز کارنامه درخشانی را ارائه کرده اند.

سه کشور چین، روسیه و هند هر کدام با بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، در کل ۵۷۰۸/۵ میلیارد دلار و بیش از ۹۰ درصد (۹۰/۴۲ درصد) از کل تولید ناخالص داخلی این سازمان را تشکیل می دهند. ایران از نظر تولید ناخالص داخلی در بین ۱۰ کشور رتبه ۴ را در سال ۲۰۰۷ کسب کرده است. تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۰۲/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۱۴/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ با نرخ رشد سالانه ۱۷/۲۹ درصد را شاهد بوده است. سهم تولید ناخالص داخلی ایران از سازمان، از ۴/۸۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴/۹۸ در سال ۲۰۰۷ تغییر کرده است.

در واقع، این کشورها از نظر مشابهت اندازه تولید ناخالص داخلی وضعیت نامتوازن و ناهمگونی دارند به شکلی که سه کشور چین، روسیه و هند هر یک با تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار، در کل ۵۷۰۸/۵ میلیارد دلار و بیش از ۹۰ درصد (۹۰/۴۲ درصد) از کل تولید ناخالص داخلی سازمان را تشکیل می دهند و در مقابل، دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان از اعضای سازمان با تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ میلیارد دلار از نظر تولید ناخالص داخلی هیچ جایگاهی در این سازمان ندارند.

د- درآمد سرانه

درآمد سرانه می تواند معیار مناسبی برای مقایسه اوضاع اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر باشد اما این معیار، به صورت مطلق حکایت از توسعه یافتگی و پیشرفت اقتصادی یک

کشور نمی‌کند، چون باید عوامل دیگری مانند سطح و هزینه زندگی و شکل توزیع درآمدها، نیازها و مشکلات هر کشور، تمایلات و عادت‌های مصرفی، ضریب پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در نظر گرفت. رعایت این ضوابط تاحدودی درآمد سرانه را به واقعیت‌های اقتصادی کشور نزدیکتر و موضوع مقایسه را منطقی‌تر می‌کند. تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار آمریکا برحسب برابری قدرت خرید (PPP) برای ۱۰ کشور مورد مطالعه در جدول شماره ۲ ارایه شده است.

مطابق اطلاعات آماری ارایه شده، در سال ۲۰۰۷ بالاترین تولید سرانه از آن روسیه (۹۰۱۶) و قزاقستان (۶۰۶۹) با بیش از ۵ هزار دلار است و حال کمترین تولید سرانه به ۴ کشور تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و هند با کمتر از ۱۰۰۰ دلار تعلق دارد. در این میان، چین با وجود کسب رتبه اول در اندازه اقتصاد این سازمان، با تولید سرانه ۲۵۱۷ دلار در رتبه چهارم در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه قرار دارد. البته این کشور توانسته است تولید سرانه را از ۳۱۲ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۹۵۶ و ۲۵۱۷ در دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ بهبود دهد که کمتر کشوری در جهان این رشد طلایی بلندمدت را شاهد بوده است.

ایران از نظر تولید سرانه با ۴۴۱۴ دلار رتبه سوم را در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه کسب کرده است. تولید سرانه ایران از ۲۳۲۱ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۵۷ دلار در سال ۲۰۰۰ روبه کاهش و دوباره به ۴۴۱۴ دلار در سال ۲۰۰۷ بهبود یافته است. بر مبنای این شاخص، هرچه کشوری با تولید سرانه بالاتر مواجه باشد، از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار بوده و در ترتیبات منطقه‌ای با کشورهای دارای قدرت اقتصادی بالاتر بهتر می‌تواند همکاری کند.

مطابق این اطلاعات، نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی همه این کشورها در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۷ عملکرد مطلوب و مناسبی را تجربه کرده‌اند. در ستون آخر جدول سهم یکایک کشورها از تولید ناخالص جهانی درج شده است. مطابق آن اطلاعات آماری، بیشتر کشورها از جمله چین، روسیه، قزاقستان، هند، ایران و پاکستان از نظر سهم از تولید ناخالص جهانی وضعیت روبه بهبودی داشته‌اند. در واقع اطلاعات، گویای آن است در سال‌های اخیر بیشتر این کشورها در مقایسه با دیگر کشورهای جهان نسبت به سال ۲۰۰۰ از افزایش تولید سرانه بهره‌مند شده‌اند.

ه- بخش خارجی اقتصاد (تجارت خارجی)

اندازه تجارت، واردات و صادرات، شاخص عملکرد تجاری و سهم از تجارت جهانی کشورهای عضو سازمان شانگهای در سالهای ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ در جدول شماره ۳ درج شده است. مطابق این آمار، از بررسی اندازه تجارت، واردات و صادرات، شاخص عملکرد تجاری و سهم از تجارت جهانی سازمان شانگهای در سالهای ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ نتیجه می‌شود که شاخص عملکرد تجاری این سازمان از واحد ۱۰۰ در سال ۲۰۰۰ به ۴۲۲ واحد در سال ۲۰۰۷ رسیده است، یعنی با ۲۲/۸ درصد رشد در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ به رقم قابل ملاحظه ۳۴۰۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده و به این ترتیب سهم سازمان از تجارت جهانی از ۵/۱۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۶/۱۷ درصد در سال ۲۰۰۰ و نیز به ۱۲/۲۲ درصد در سال ۲۰۰۷ به شکل چشم‌گیری بهبود یافته است.

در میان کشورهای عضو سازمان، چین بهترین کارنامه تجاری را در دوره بدست آورده است. اندازه تجارت چین از ۳۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۴۷۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسید و در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ به رشد شتابان خود ادامه داد به شکلی که شاخص عملکرد تجاری چین از واحد ۱۰۰ در سال ۲۰۰۰ به ۴۵۸ واحد در سال ۲۰۰۷ رسید و با نرخ رشد سالانه ۲۴ درصد به رقم چشم‌گیر ۲۱۷۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسید و سهم چین از تجارت جهانی از ۰/۹۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳/۶۲ و ۷/۷۹ در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ ارتقا یافت.

بعد از چین، روسیه و هند جایگاه ممتازی در میان این کشورها کسب کرده‌اند. بعد از این سه کشور، از نظر اندازه تجارت ایران رتبه ۴ را کسب کرده است. اندازه تجارت ایران از ۲۵/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۴۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسید که عملکرد ضعیفی ارزیابی می‌شود، چون سهم ایران از تجارت جهانی از ۰/۶۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۰/۳۳ درصد در سال ۲۰۰۰ روبه کاهش گذاشت، ولیکن اندازه تجارت ایران از ۴۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۲۱/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسید که متوسط نرخ رشد سالانه ۱۵/۸ درصد را تجربه کرد و به این ترتیب سهم ایران از تجارت جهانی از ۰/۳۳ در سال ۲۰۰۰ به

۰/۴۴ درصد در سال ۲۰۰۷ ارتقا یافت. در این میان اندازه تجارت قزاقستان و پاکستان در مراتب ۵ و ۶ است.

جدول شماره ۳: صادرات و واردات کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای

(واحد ارقام به میلیارد دلار و درصد)

شاخص واردات (۲۰۰۷/۲۰۰۰)	واردات کالا			شاخص صادرات (۲۰۰۷/۲۰۰۰)	صادرات کالا			شرح
	۲۰۰۷	۲۰۰۰	۱۹۸۰		۲۰۰۷	۲۰۰۰	۱۹۸۰	
(۲۲/۹) ۴۲۴/۶	۹۵۵/۸	۲۲۵/۱	۱۹/۹	(۲۵/۴) ۴۸۸/۸	۱۲۱۸	۲۴۹/۲	۱۸/۱	چین
(۲۵/۸) ۴۹۹/۸	۲۴۵/۴	۴۹/۱	۶۸/۵	(۲۰/۴) ۳۶۶/۶	۳۵۵/۵	۱۰۵/۶	۴۶/۴	روسیه
(۳۰/۸) ۶۵۶	۳۲/۸	۵/۰	...	(۲۷/۰) ۵۳۳/۰	۴۶/۹	۸/۸	...	قزاقستان
(۲۱/۹) ۴۰۰	۲/۴	۰/۶	...	(۱۱/۹) ۲۲۰	۱/۱	۰/۵	...	قرقیزستان
(۱۹/۲) ۳۴۲/۹	۲/۴	۰/۷	...	(۹/۴) ۱۸۷/۵	۱/۵	۰/۸	...	تاجیکستان
(۱۴/۰) ۲۵۰	۴/۵	۱/۸	...	(۱۵/۱) ۲۶۷/۹	۷/۵	۲/۸	...	ازبکستان
(۲۳/۶) ۴۴۰/۴	۱۲۴۳/۳	۲۸۲/۳	۸۸/۴	(۲۳/۷) ۴۴۳/۴	۱۶۳۰/۵	۳۶۷/۷	۶۴/۵	جمع اعضا
(۲۲/۷) ۴۱۸/۴	۲۱۵/۵	۵۱/۵	۱۴/۹	(۱۹/۲) ۳۴۲/۹	۱۴۵/۴	۴۲/۴	۸/۶	هند
(۱۶/۲) ۲۸۶/۲	۳۱/۲	۱۰/۹	۵/۴	(۹/۹) ۱۹۳/۳	۱۷/۴	۹/۰	۲/۶	پاکستان
(۱۶/۱) ۲۸۴/۲	۴۳/۲	۱۵/۲	۱۳/۴	(۱۵/۷) ۲۷۷/۰	۷۸/۴	۲۸/۳	۱۲/۳	ایران
(۱۸/۸) ۳۳۳/۳	۲/۰	۰/۶	۰/۵	(۲۱/۰) ۳۸۰	۱/۹	۰/۵	۰/۴	مغولستان
(۲۰/۷) ۳۷۳/۳	۲۹۱/۹	۷۸/۲	۳۴/۲	(۱۷/۲) ۳۰۳/۱	۲۴۳/۱	۸۰/۲	۲۳/۹	اعضای ناظر
(۲۳/۰) ۴۲۵/۹	۱۵۳۵/۲	۳۶۰/۵	۱۲۲/۶	(۲۲/۷) ۴۱۸/۳	۱۸۷۳/۶	۴۴۷/۹	۸۸/۴	جمع کل
(۱۱/۳) ۲۱۱/۳	۱۴۰۵۶/۶	۶۶۵۳/۷	۲۰۷۳/۶	(۱۱/۵) ۲۱۴/۳	۱۳۸۳۳/۰	۶۴۵۵/۰	۲۰۳۲/۲	جهان

Source: UNCTAD 2008

شایان توجه است که چهار کشور باقیمانده بازیگر فعالی در تجارت نیستند؛ زیرا هر چهار کشور در کل با اندازه تجارت ۲۳/۳ میلیارد دلار کمتر از ۰/۱ درصد از تجارت جهانی را به دست آورده‌اند. توزیع نامتوازن تجارت در میان ده کشور، نشان می‌دهد که تجارت درون منطقه‌ای امکان تحقق بالایی را نمی‌تواند شاهد باشد. صادرات و واردات سازمان در سال ۲۰۰۷ به ترتیب ۱۸۷۳/۶ و ۱۵۳۵/۲ میلیارد دلار بوده است و گویای آن است این سازمان با مازاد تجاری چشم‌گیر ۳۳۸/۴ میلیارد دلاری مواجه است که در اصل این مازاد از مازاد تجاری چین و

روسیه ناشی می‌شود. در این بین کشورهای هند، پاکستان و قرقیزستان با کسری تجاری قابل ملاحظه‌ای مواجه بوده‌اند.

و- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در فرایند جهانی‌شدن و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای در سطح جهان، اقتصاد کشورها چه در طول فرایند طبیعی و چه به صورت مدیریت شده به تدریج بسوی همگونی بیشتر و یافتن جایگاه خویش در ساختار تولیدی و تجاری در حال شکل‌گیری، حرکت می‌کنند. از شاخص‌های اصلی در جهت اندازه‌گیری همگونی و سطح پیشرفت یک کشور در بین کشورهای جهان، بررسی ساختار جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها است.

سهم هر کشور در جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند مشخص‌کننده میزان همگونی ساختار تولید یک کشور با ساختار تولید جهانی باشد، زیرا هدف سرمایه‌گذار جذب سود بلندمدت از راه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان است و از آنجایی که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مستقیمی بر توانایی ایجاد پتانسیل‌های تجاری کشورهای عضو می‌تواند بگذارد، بنابراین بررسی وضعیت این کشورها در جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای اهمیت است.

از طرف دیگر، گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جای خود این امکان را فراهم کرده تا تولیدات صنعتی به شکلی غیرمتمرکز و با گردآوری قطعات از مناطق مختلف صورت گیرد؛ بدین مفهوم که بسیاری از کشورها در یک صنعت خاص به صورت صادرکننده و واردکننده هم‌زمان مطرح شده‌اند. شاخص تجارت درون‌صنعتی که سهم تجارت درون‌صنعتی را محاسبه می‌کند در دهه‌های اخیر به سرعت روبه افزایش گذاشته است.^۱

۱. برای نمونه، سهم مبادلات میان صنایع مشابه در هفت کشور صنعتی بزرگ از ۴۹ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافت و در مورد کشورهای تازه صنعتی‌شده آسیا (کره جنوبی، هنگ‌کنگ و سنگاپور) این شاخص از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید.

برای کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دو جهت دارای اهمیت است: نخست توسعه سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در داخل یک کشور نشان‌دهنده انعکاس اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به شرایط تولیدی و تداوم اصلاح ساختار اجتماعی - اقتصادی آن کشور است. دوم به صورت هم‌زمان شکل‌گیری سرمایه‌گذاری توسط آن کشور در خارج گامی در راستای شرکت در جهانی‌شدن اقتصاد و همچنین انجام اصلاحات ساختاری خواهد بود. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص عملکرد و سهم یکایک ۱۰ کشور عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ در جدول شماره ۴ آمده است.

مطابق اطلاعات آماری آن جدول نتیجه گرفته می‌شود که: شاخص عملکرد و سهم یکایک ده کشور عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای در جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۸۰ هیچ‌کدام از کشورها جایگاه فعالی در ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی نداشتند و تا سال ۱۹۹۰ تنها چین حضور فعالی در جریان ورودی آن داشته است.

در سال ۲۰۰۰ علاوه بر چین با ۷۲/۴ میلیارد دلار، دو کشور روسیه و هند نیز به ترتیب با ۱۲/۸ و ۶/۷ میلیارد دلار در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حضور مؤثرتری ایفا کردند به شکلی که این ۳ کشور در کل ۹۱/۹ میلیارد دلار معادل ۹/۷۲ درصد از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی را به خود اختصاص دادند. کشورهای قزاقستان و پاکستان در مراتب ۴ و ۵ قرار داشتند و ۵ کشور باقیمانده از جمله ایران جایگاهی در جریان ورودی آن نداشتند.

جدول شماره ۴: جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

(میلیارد دلار و درصد)

کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۶	شاخص عملکرد ۲۰۰۶/۲۰۰۰	سهم از جهان	
							۲۰۰۰	۲۰۰۶
چین	۰/۰۶	۳/۵	۴۰/۷	۷۲/۴	۶۹/۵	۱۷۰/۸ (۹/۳)	۲/۹	۵/۳۲
روسیه	-	-	۲/۷	۱۲/۸	۲۸/۷	۱۰۶۳ (۴۸/۳)	۰/۲	۲/۲۰
قزاقستان	-	-	۱/۲۸	۱/۹۸	۶/۱۴	۴۷۹/۷ (۲۹/۹)	۰/۱	۰/۴۷

۰/۰۱	-۰/۰	(۲۸/۵) ۴۵۰	۰/۱۸	۰/۰۴	-۰/۰۰۲	-	-	قرقیزستان
۰/۰۳	۰/۰۰۱	(۶۴/۱) ۱۹۵۰	۰/۳۹	۰/۰۵	۰/۰۲	-	-	تاجیکستان
۰/۰۱	۰/۶	(۱۲/۲) ۲۰۰	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۰۸	-	-	ازبکستان
۸/۰۵	۳/۲	(۱۵/۳) ۲۳۴/۶	۱۰۵/۱	۸۷/۴	۴۴/۸	-	-	جمع اعضا
۱/۲۹	۰/۲۶	(۲۹/۴) ۴۶۹/۴	۱۶/۹	۶/۷	۳/۶	۰/۲۴	۰/۰۸	هند
۰/۳۳	۰/۰۲	(۱۲۷/۵) ۱۳۸۷۱	۴/۳	۲/۲	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۰۶	پاکستان
۰/۰۷	۰/۰۰۲	(۷۶/۳) ۳۰۰۰	۰/۹۰	۰/۳۶	۰/۰۳	-۰/۳۶	۰/۰۸	ایران
۰/۰۱	۰/۰۴	(۲۲/۶) ۳۴۰	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۰۵	مغولستان
۱/۷۱	۰/۲۸	(۳۳/۱) ۵۵۶/۸	۲۲/۳	۹/۴	۴/۰	-	-	اعضای ناظر
۹/۷۶	۳/۴۶	(۱۷/۳) ۲۶۱/۱	۱۲۷/۴	۹۶/۸	۴۸/۸	-	-	جمع کل
۱۰۰	۱۰۰	(-۱/۳) ۹۲/۵	۱۳۰۵/۹	۹۴۵/۸	۱۴۱۱/۴	۲۰۱/۶	۵۵/۳	جهان

Source: UNCTAD 2008

وضعیت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای ۱۰ کشور کم‌وبیش در دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ تغییر محسوسی نکرد و همچنان چین، روسیه و هند با رشد شتابان در جذب آن کوشا بوده‌اند و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای سه کشور چین، روسیه و هند در سال ۲۰۰۶ به ۶۹/۷، ۲۸/۷ و ۱۶/۹ به ترتیب با سهم ۵/۳۲، ۲/۲۰ و ۱/۲۹ درصد ارتقا یافت. قزاقستان و پاکستان در مراتب چهارم و پنجم در جذب آن بودند. بدون تردید یکی از دلایل رشد اقتصادی شتابان چین، هند و روسیه موفقیت آن سه کشور در جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است.

ز- انرژی

مطابق جدول شماره ۵ سازمان همکاری شانگهای بیشترین حجم ذخایر انرژی نفت و گاز دنیا را دارد. در این میان، ایران و روسیه بالاترین ظرفیت انرژی را دارند. ایران رتبه سوم ذخایر نفتی جهان و رتبه دوم گاز جهان را در کنار روسیه که دارای رتبه اول گاز و از کشورهای دارای نفت جهان است، عهده‌دار است. کشورهای عضو سازمان بیش از ۲۲ درصد ذخایر نفت دنیا و حدود ۴۴ درصد ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارند.

جدول شماره ۵: جایگاه کشورهای سازمان شانگهای در ذخایر انرژی جهان در پایان سال ۲۰۰۸

کشور	ذخایر نفت			ذخایر گاز طبیعی			
	میلیارد تن	میلیارد بشکه	% از ذخایر جهان	نسبت ذخایر به تولید (سال)	تریلیون مترمکعب	% از ذخایر جهان	نسبت ذخایر به تولید (سال)
روسیه	۱۰۸	۷۹	۶.۳	۲۱.۸	۴۳.۳	۲۳.۴	۷۲
ایران	۱۸.۹	۱۳۷.۶	۱۰.۹	۸۶.۹	۲۹.۶۱	۱۶	بیش از ۱۰۰
قزاقستان	۵.۳	۳۹.۸	۳.۲	۷۰	۱.۸۲	۱	۶۰.۳
چین	۲.۱	۱۵.۵	۱.۲	۱۱.۱	۲.۴۶	۱.۳	۳۲.۳
ازبکستان	۱.۵۸	۰.۹	۲۵.۴
هند	۰.۸	۵.۸	۰.۵	۲۰.۷	۱.۰۹	۰.۶	۳۵.۶
پاکستان	۰.۸۵	۰.۵	۲۲.۷
جمع کل	۱۷۰.۸	۱۲۵۸	۲۲.۱	۴۲.۰	۱۸۵.۰۲	۴۳.۷	۶۰.۴

Source: BP, 2009, p. 22

ح- قدرت نظامی

مطابق جدول شماره ۶ سه کشور چین، روسیه و هند به ترتیب بعد از آمریکا بزرگترین قدرت نظامی را در دنیا دارند. این کشورها سهم زیادی هم در تجارت تسلیحات به عهده دارند. در میان کشورهای این پیمان روسیه، چین، هند و پاکستان دارای سلاح هسته‌ای بوده و ایران و قزاقستان از ظرفیت هسته‌ای صلح‌آمیز برخوردارند.

دو عضو این سازمان جزو ۵ کشور هسته‌ای دنیا (آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین) قرار دارند. در زمینه اقدام‌های فضایی هند، چین، روسیه و قزاقستان جایگاه معتبری در جهان دارند. دو عضو سازمان، حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند. ایران از نظر تقویت نظامی و امنیتی تلاش دارد تا در سازمان شانگهای از ناظر به عضو اصلی تبدیل شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰).

جدول شماره ۶: برخی شاخص‌های قدرت نظامی کشورهای منتخب سازمان شانگهای و آمریکا

کشورها	بودجه نظامی (میلیارد دلار)	نیروی نظامی (هزار نفر/۲۰۰۸)	سلاحهای زمين پایه	کشتی‌های نیروی دریایی	هوایماها ی نیروی هوایی	کلاهک هسته‌ای آماده (۲۰۰۹)
آمریکا	۵۱۵.۴ (۲۰۰۹)	۱۳۸۵.۱	۲۹۹۲۰	۱۵۵۹	۱۸۱۶۹ (۲۰۰۳)	۲۷۰۲
چین	۵۹ (۲۰۰۸)	۲۲۵۵	۳۱۳۰۰	۷۶۰	۱۹۰۰ (۲۰۰۴)	۱۸۶
روسیه	۴۳.۲ (۲۰۰۸)	۱۲۴۵	۷۹۹۸۵	۵۲۵	۳۸۸۸ (۲۰۰۵)	۴۸۳۴
هند	۳۲.۳۵ (۲۰۰۶)	۱۳۲۵	۱۰۳۴۰	۱۴۳	۱۰۰۷ (۲۰۰۴)	۶۰-۷۰
پاکستان	۴.۲۶ (۲۰۰۶)	۶۵۰	۳۹۱۹	۳۳	۷۱۰ (۲۰۰۴)	۶۰
ایران	۶.۳ (۲۰۰۷)	۵۴۵	۵۴۴۹	۶۵	۸۴ (۲۰۰۴)	-

Source: Stockholm International Peace Research Institute(SIPRI), 2009

نتیجه

سازمان همکاری شانگهای در اصل یک پیمان نظامی - امنیتی است تا یک پیمان اقتصادی و تجاری. این سازمان هم‌اینک ۶ عضو دائم (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) و چهار عضو ناظر (ایران، هند، پاکستان و مغولستان) دارد. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) این سازمان روی هم معادل ۳۷ میلیون کیلومتر مربع از سطح خشکی‌های کره زمین است.

نزدیکی و وسعت جغرافیایی اعضای این سازمان (حدود ۲۸ درصد سطح خشکی‌های کره زمین)، جمعیت عظیم آن (اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان با بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان)، برخورداری از بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان، پتانسیل‌های اقتصادی منطقه، روابط تاریخی - فرهنگی کشورهای عضو، احساس تهدیدهای مشترک، برخورداری از فناوری و

سلاح هسته‌ای، وجود دو کشور دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد (چین و روسیه) و موارد دیگر نشان می‌دهد که در این سازمان قابلیت تبدیل به یک قطب بین‌المللی نه تنها از نظر سیاسی - امنیتی بلکه از نظر اقتصادی وجود دارد.

نگاهی به کشورهای عضو این پیمان، نشان می‌دهد که آنها قابلیت آن را دارند تا در دهه‌های آینده یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی را در جهان شکل دهند. چین و روسیه ارتشی قدرتمند و اقتصادی رو به رشد دارند. از نظر اقتصادی، جایگاه چین با دیگر دولت‌های عضو این پیمان متفاوت است. پیش‌بینی می‌شود که چین به‌زودی به‌قدرت اول اقتصاد جهان تبدیل شود. این سازمان بیشترین حجم ذخایر انرژی نفت و گاز دنیا را دارد.

در این میان، ایران و روسیه بالاترین ظرفیت انرژی را دارند. ایران رتبه سوم ذخایر نفتی جهان و رتبه دوم گاز جهان را دارد. روسیه دارای رتبه اول گاز و از کشورهای دارای نفت جهان است. روسیه، چین، هند و پاکستان دارای سلاح هسته‌ای و ایران و قزاقستان از ظرفیت هسته‌ای صلح‌آمیز برخوردارند. در زمینه اقدام‌های فضایی، هند، چین و روسیه جایگاه ویژه‌ای در جهان دارند.

بدین ترتیب، برخورداری از قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت زیاد، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح قابل توجه، حق وتو در شورای امنیت و عوامل دیگر به این سازمان پتانسیل اقتصادی، سیاسی و نظامی بالایی می‌بخشد و ایران از نظر تقویت نظامی و امنیتی تلاش دارد تا در سازمان شانگهای از ناظر به عضو اصلی تبدیل شود و بی‌شک ایران از این برتری‌ها در جهت مناسبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی سود می‌برد. بر این اساس، عضویت ایران در سازمان می‌تواند منافع و دستاوردهایی در این حوزه‌ها برای ایران دربرداشته و باعث ارتقای نقش ایران در این حوزه‌ها شود.

با این حال، باید به این نکته هم توجه داشت که حوزه‌های منافع و تهدیدهای ایران به این منطقه و سازمان محدود نمی‌شود و شاید بازیگران و حوزه‌های دیگر بیشتر مورد توجه باشند. به‌علاوه، اگر چه حضور در سازمان شانگهای منافع زیادی برای ایران دربر دارد، ولی پافشاری بر عضویت در این سازمان به بهای بی‌توجهی به بازیگران و حوزه‌های دیگر می‌تواند هزینه عضویت در خود سازمان شانگهای را نیز برای ایران بالا ببرد، به‌خصوص که مسأله

هسته‌ای ایران و رویکرد رادیکال آن همراه با ابراز مخالفت آمریکا با پیوستن ایران به این سازمان از جمله مسائلی است که در حال حاضر پذیرش عضویت کامل ایران را دشوار ساخته است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. حسینی، میرعبداله و وحید بزرگی (۱۳۸۸)، توسعه تجارت ایران با سازمان همکاری شانگهای، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۲. شمسین فرد، حمید (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن"، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۴-۲۲۳، صص ۲۴۸-۲۵۷.
۳. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، "روابط ایران و روسیه در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیتها"، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۳، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۱.
۴. ملکی، عباس (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: فرصت‌ها و چشم‌اندازها"، چهاردهمین کنفرانس آسیای مرکزی و قفقاز، ج.۱. ایران و سازمان همکاری شانگهای: رویای ایرانی امنیت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: ۸-۹ آبان.
۵. تقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، "ایران، کانون چند زیر سیستم منطقه‌ای"، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۵۲-۱۳۹.
۶. یام، سین. ل. (۲ مهر ۱۳۸۷)، "سیاست قدرت در آسیای میانه: جایگاه «سازمان همکاری شانگهای» در معادلات منطقه‌ای"، ترجمه ف. م. هاشمی، سرمایه، شماره ۸۳۹.

ب- انگلیسی

1. BP(2009), **BP Statistical Review of World Energy**, London: BP.
2. Brahmhatt, Milan and Dadush, Uri(1996), "Disparities in Global Integration", **Finance and Development**, Vol. 33, No. 3.
3. Germanovich, Gene(2008), "The Shanghai Cooperation Organization: A Threat to American Interests in Central Asia?", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 6, No. 1, pp. 19-38.
4. Noi, Aylin Ünver(2006), "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Is It Possible for Iran to Become Full Member of the Shanghai Cooperation Organization under Pressure of Nuclear Issue?", **Journal of International Affairs**, Vol. XI, No. 4, pp. 79-104.

5. **Stockholm International Peace Research Institute: SIPRI**(2009), "SIPRI Yearbook 2009: Armaments, 6. Disarmament and International Security", USA: Oxford University Press.
6. Turner, Jefferson E.(2005), " Shanghai Cooperation Organization: Paper Tiger or Regional Powerhouse?", Master's Thesis, Naval Postgraduate School, Monterey, California.
7. **UNCTAD**(2008), "Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2008, New York: UN Publications.